

کارکردهای سیاسی اجتماعی و فرهنگی اربعین حسینی

مجله فرهنگ زیارت تابستان ۱۳۹۷، دوره ۹، شماره ۳۵

نویسنده: سامانی، سید محمود

اجتماع میلیونی در اربعین حسینی به عنوان یکی از آیین های دینی که به صورت جمعی و توأم با احساس و دارای هدف برگزار می شود، نقش ها، ظرفیت ها، مؤلفه ها و کارکردهای مختلفی دارد و آن را می توان از زوایای مختلفی بررسی کرد. یکی از این زوایا، بحث نقش ها و کارکردهای سیاسی و اجتماعی اربعین است. اقتدارآفرینی، وحدت و انسجام بخشی از کارکردهای سیاسی، و هویت بخشی و تقویت روح جمعی از مؤلفه ها و کارکردهای اجتماعی است. در این مقاله که در پاسخ به پرسش «کارکردهای سیاسی اجتماعی و فرهنگی اربعین کدام اند؟» سامان یافته است، به تفکیک در این سه محور از منظر اندیشوران معاصر ایرانی بیان خواهد شد. شناخت این کارکردها، آشنایی با ظرفیت عظیم اربعین را، به عنوان حرکتی الهی، در پی خواهد داشت و به بهره گیری مطلوب از آن منجر خواهد شد.

مقدمه

آیین های حسینی در طول تاریخ نقش بسزایی در حیات شیعه داشته اند؛ چنان که اربعین را می توان از عوامل گسترش تشیع دانست؛ زیرا در طول تاریخ شیعه، حرم های شریف امامان معصوم، مراکز علم، تبلیغ و ترویج دین، مبدأ قیام ها و نهضت ها، محل پیمان بستن و هم قسم شدن برای انقلاب ها و جنبش های اجتماعی و... بوده است. آیین بزرگداشت اربعین در حال حاضر، صفوف شیعیان را درهم تنیده تر می کند و موجب اقتدار آنان می گردد. از این رو شناخت اربعین و پژوهش و ژرف اندیشی درباره کارکردهای آن اهمیت بسیاری دارد.

حضور شیعیان از سراسر جهان در مراسم اربعین، یکی از کم نظیرترین اجتماعات مذهبی جهان را به وجود می آورد و موجب می شود تا اقتداری وصف ناشدنی مبتنی بر قدرت نرم شیعیان به نمایش گذاشته شود؛ به ویژه اینکه این مراسم در اوج تهدیدات امنیتی گروه های سلفی تکفیری چون داعش برگزار می شود. ولی این تهدید نه تنها مانع حضور شیعیان در عراق نشده است، بلکه اشتیاق آنان را برای زیارت اربعین، دوچندان کرده است. اما باید توجه داشت که نباید تفکرات و ایده هایی را وارد این منسک کنیم که این مسیر را تغییر دهد و آن را از کارکردهای اصلی اش تهی سازد.

هم افزایی در راستای این پدیده الهی و تاریخی ضروری است و اگر آثار اربعین را به درستی احصا کنیم، می بینیم که این حادثه چه نقشی در تاریخ اسلام و تشیع داشته است. با توجه به کارکردهای مهم مراسم میلیونی اربعین حسینی، در این مقاله به تفکیک به انواع این کارکردها از زبان برخی محققان معاصر ایرانی پرداخته می شود.

۱- کارکردهای سیاسی اربعین

الف) اقتدارآفرینی در سایه وحدت: راهپیمایی اربعین موجب اقتدار شیعیان و دیگر مسلمانان در برابر دشمنان به ویژه جریان های تکفیری خصوصاً داعش می شود. بی تردید مهم ترین کارکرد سیاسی اربعین حسینی در مقطع کنونی و با توجه به گسترش گروه های سلفی تکفیری در کشورهای منطقه، بسیج سیاسی شیعیان است که راهپیمایی بیست میلیون نفری اربعین را به مصداق قدرت بسیج

جهان اسلام تبدیل کرده است؛ به بیان دیگر اربعین حسینی تبیین هویت جمعی شیعه و کاربرد مناسک مذهبی به عنوان منابع قدرت و فعال شدن آن از نظر سیاسی است. مهم ترین پیام سیاسی بزرگ ترین تجمع دینی جهان، وحدت امت اسلامی در سایه محبت و ارادت به خاندان مطهر اهل بیت: است؛ چراکه تمام مذاهب اسلامی به محبت اهل بیت: اعتقاد دارند و همین می تواند محور وحدت اسلامی باشد. توجه به شعارهای مردمی نشان می دهد که آزادگی، عزت طلبی و ذلت گریزی با ماهیت راهپیمایی اربعین پیوند خورده است. لذا این گردهمایی عظیم که به واقع «رستاخیز حسینی» است، رسالت ملی و مذهبی مبتنی بر حفظ سرزمین از اشغال بیگانه و گروه های سلفی تکفیری را گوشزد می کند. حضور مردمی در اربعین نشان می دهد که مکتب حسینی، قابلیت و قدرت بسیاری برای بسیج کردن مردم دارد.

نتیجه آنکه مراسم اربعین، افزایش قدرت نرم تشیع، امنیت سازی و ارتقای وحدت ملی در عراق را در پی داشته است. از این رو گروه های سلفی تکفیری در برابر این رویداد پراهمیت موضع گرفته و به آن واکنش نشان داده اند. راهپیمایی اربعین به عنوان یکی از مناسک دینی به بسیج سیاسی اجتماعی منجر می شود؛ بسیجی که ابعاد آن اساساً جهان شمول و فرامذهبی است. بدین ترتیب مهم ترین نتیجه آن ارائه تصویری حقیقی از شیعه در سپهر عمومی جهان اسلام و همچنین تمام عرصه جهانی است.

ب) نمایش امنیت عراق: برگزاری راهپیمایی صلح آمیز اربعین، نمایش امنیت عراق و ضربه نمادین همزمان به گروه تروریستی داعش و ایالات متحده آمریکاست که یکی در پی ناامن سازی عراق است و دیگری ایجاد امنیت در عراق را بدون حضور خود ناممکن می داند. این قدرت نرم شیعیان است که بدون فرقه گرایی، با حضور مسالمت آمیز خود در مراسم عاشورا و اربعین، بر وحدت و همبستگی ملی در عراق صحنه می گذارند. در واقع همان طور که پیام عاشورا و اربعین ماهیتی فرامذهبی و جهان شمول دارد، پیام های سیاسی راهپیمایی اربعین نیز قالب های فرقه گرایانه را شکسته و پیام آور صلح، همبستگی و همکاری است.

ج) وحدت بخشی به جهان اسلام: عبادات و فرایض، افزون بر جنبه فردی و تأثیری که در دگرگونی روحی، فکری، اخلاقی و رفتاری افراد بر جای می نهند، به نوعی با مسائل اجتماعی و حقوق جمعی نیز در ارتباط اند. اربعین در این میان از جمله مناسک و آیین های اجتماعی است که به رغم ماهیت درون مذهبی اش، به دلیل فرادینی و فراملیتی بودن قیام عاشورا، ظرفیت های بسیاری را برای زمینه سازی تحقق امت واحد اسلامی دارد.

پیاده روی و برگزاری آیین اربعین صرفاً حرکتی شیعی و ایرانی نیست؛ بلکه نقطه عطف وحدت میان همه مسلمانان و ایجاد وفاق در جهان اسلام است. اربعین با توجه به کارکردهایی که دارد و وفاقی که در جهان اسلام ایجاد می کند، در راستای بینش تمدنی امام خمینی= است؛ چنان که ایشان فرمودند: «راه قدس از کربلا می گذرد» و این وحدت و همدلی، اقدامی در مقابل تمدن غرب و در راستای رسیدن به آرمان های اسلامی است.

نتیجه اینکه هم گرایی اسلامی از دیگر کارکردهای آیین های عاشورایی است که در ادبیات حسینی، اصلاح امت نبوی نام گرفته است. هم سویی این آیین ها با غرض امام حسین علیه السلام که حفظ جامعه اسلامی بود، نمی تواند از نظرها دور نگه داشته شود؛ چنان که امام حسن علیه السلام با همین رویکرد به تدبیر امور سیاسی اجتماعی پرداخت.

گفتنی است که از محورهای اصلی فعالیت های رسانه ای و تبلیغاتی شبکه بین المللی نظام سلطه، تلاش برای شیعی جلوه دادن این حرکت، و محدود کردن آن در آرمان یک جمعیت مذهبی محدود است. اما حجم راهپیمایی اربعین و آثار جهانی آن انکارناشدنی است. حرکت عظیم اربعین به مثابه مانور بزرگ اقتدار مکتب تشیع و دین اسلام است که می تواند قدرت و عظمت مسلمانان را به رخ جهانیان بکشد و باعث اتحاد آنان شود.

د) تقویت مناسبات میان ایران و عراق: مراسم شکوهمند اربعین می تواند به ترمیم برخی شکاف های ارتباطی مثل کدورت های ناشی از جنگ میان زائران ایرانی و عراقی و بهبود بیشتر روابط سیاسی این دو کشور مسلمان کمک شایانی داشته باشد. بی تردید تقویت و توسعه مناسبات دو کشور آثار و برکات بسیاری را در پی خواهد داشت و نقش شیعیان در تحولات منطقه ای و بین المللی را بارزتر خواهد کرد.

ه) پاسداشت یاد و خاطره امام حسین علیه السلام: از مهم ترین کارکردهای آیین اربعین، زنده نگه داشتن یاد و خاطره امام حسین علیه السلام و یاران باوفای اوست که در پرتو شناخت فلسفه قیام و شهادت آنان قابل اکتساب است. این آیین ها تلاشی برای زنده نگه داشتن هدف امام است و طبعاً بیشترین دغدغه شرکت کنندگان و کارگزاران باید یادکرد این مطلب باشد که قیام امام برای چه بود و چرا جان خویش را فدا کرد. اما از دیگر سو، اربعین مبدأ حرکت جوشنده و تمام ناشدنی تبلیغ و ترویج فرهنگ حسینی نیز هست. از اربعین به این سوست که تمام همت و تلاش اهل بیت: و شیعیان و دوستانشان صرف زنده نگه داشتن یاد و خاطره امام حسین علیه السلام و ورود در مبارزه ای فرهنگی علیه نظام ستمکار اموی و پس از آن نظام عباسی و همه نظام های ستمگر در طول تاریخ است.

اربعتن مقطع پایان یافتن اسارت اهل بیت:، کامل شدن رسالت حضرت زینب (س) و امام سجاد علیه السلام در رسوا ساختن یزیدیان و رساندن پیام سرخ امام حسین علیه السلام به گمراهان کوفی و شامی است. اربعین، پیام پیروزی حق بر باطل و خون بر شمشیر، و آغاز شکل جدیدی از نبرد فرهنگی با طاغوت های زمانه است. حادثه عاشورا و بر زمین ریختن خون های پاک امام حسین علیه السلام و یاران قهرمانش، بهترین پشتوانه و سرمایه برای این مبارزه تمام ناشدنی و مستمر تا قیام قیامت است.

و) تقویت هویت شیعی: پاسداشت اربعین در میان شیعیان اهل بیت: یکی از برجسته ترین عوامل تقویت هویت شیعی است. از اربعین است که هویت شیعی جان و قالبی تازه می گیرد و با استمداد از نیروی شگرف عاشورا، ظهور پر قدرتی را در عرصه های سیاسی، فرهنگی و نظامی به نمایش می گذارد. اربعین، آموزنده این تفکر الهی است که اگر چه باطل مانند کفی روی آب ممکن است کوتاه زمانی به جولان و هیجان، افکار عمومی را در دست گیرد و حق طلبان را گرفتار قتل، اسارت و انواع بلاها کند، اما عاقبت نیک و پیروزی از آن حق و حق طلبان خواهد بود.

دستگاه یزید که با تمام توان برای نابودی حرکت عدالت خواهانه امام حسین علیه السلام به میدان آمده بود، در اربعین به شکست خود اعتراف کرد و اهل بیت: را با احترام به سوی مدینه روانه ساخت. از این زمان به بعد شاهد قیام ها و حوادثی هستیم که با الهام از قیام امام و یارانش، عرصه را بر حکومت اموی تنگ کرد و آرام آرام زمینه نابودی آن را فراهم ساخت. قیام توابین، قیام مردم مدینه و قیام مختار بن ابی عبید ثقفی در امتداد همین خط پدید آمد و لرزه بر اندام حکومت جبار اموی انداخت.

شیعه با پاسداشت اربعین، پیروزی امام حسین علیه السلام و یارانش را فریاد می زند. اگر چه در عاشورا در غم شهادت امام و یارانش می گرید و از جنایت هایی که بر اهل بیت رفته است مویه می کند، اما در اربعین، نتیجه شهادت طلبی و جان بازی امام و اهل بیتش را به نظاره می نشیند. اربعین، شایسته تکریم و بزرگداشت است؛ زیرا اربعین، ثمره عاشوراست و آنچه امام حسین علیه السلام در عاشورا آغاز کرد، در اربعین به بار می نشیند.

ز) بازخوانی حادثه خونین عاشورا: اربعین اولین نقطه بعد از عاشوراست و به انسان فرصت می دهد تا حادثه عاشورا را بازخوانی کند. واقعه کربلا به قدری عظیم است که آن را در روز عاشورا نمی توان بررسی کرد. بنابراین برای بازخوانی به ایام دیگری نیاز دارد و مهم ترین این

ایام، روز اربعین است. پس اربعین نقش یادمانی دارد و در آن فرصت بازخوانی عاشورا به ما داده می شود؛ عاشورا یک شور است و همه ما باید در این روز غرق شویم و اشک ریزان این روز را تجلیل کنیم. در اربعین به بازخوانی و ارتباط مجدد با امام و هدف اصلی هم چنین مبارزه با ظلم از سوی ایشان بپردازیم. ائمه نیز به ما امر کرده اند که در روز عاشورا عاشورایی باشیم و تفکر و تجدید بیعت با امام را در اربعین متجلی کنیم.

ح) جریان ساز بودن اربعین: اربعین حسینی جرقه های عاشورایی را شعله ور، و آن را به یک جریان تبدیل می کند و دعوت به زیارت اربعین و پیاده رفتن در این مسیر، دعوت به همین جریان سازی است. آذرخش عاشورا در اربعین به آتشی شعله ور تبدیل می شود و قطره های باران آن، رودخانه اربعین را به وجود می آورد؛ رودخانه ای که می تواند حرکت ایجاد کند و تغییر به وجود آورد. انسان هایی که در عاشورا احساس عاشورایی پیدا کردند، امروز باید احساساتشان را به یکدیگر ضمیمه کنند و بفهمند که تعداد عاشوراییان و احساس ها و نگاه های عاشورایی چقدر زیاد است و این انسان ها چقدر هم دل، هم رأی و هم هدف اند؛ یعنی کسی که در مکتب عاشورا تربیت شده است، حالا باید دستاوردهای معرفتی، معنوی، روحی و اخلاقی اش را به مشارکت بگذارد. بنابراین نقش جریان سازی اربعین مهم است.

ط) ظرفیت سازی: از مهم ترین آثار و کارکردهای اربعین، ظرفیت سازی است. وقتی بتوانیم فرهنگ عاشورایی را شکل دهیم، ظرفیت سازی رخ می دهد؛ چراکه انسان عاشورایی از خود خواهد پرسید حال چه باید کرد تا عاشورا امتداد یابد، ایجاد این ظرفیت، برعهده اربعین است. اما متأسفانه از اشکالات اربعین این است که نقطه مرکزی در آن وجود ندارد؛ زیرا این حرکت عظیم باید نقطه توقفی داشته باشد تا همه زائران را در مسیر اصلی قرار دهد؛ چراکه اربعین باید جریان های مختلف را در یک قالب جمع کند و آنها در یک جریان بزرگ تر قرار دهد.

ی) نمادسازی: انسان هیچ گاه از عاشورا و گریه بر ابا عبدالله الحسین علیه السلام خسته نمی شود و با اینکه قرن هاست که عاشورا تکرار می شود، هرگز کسی از آن احساس تکرار نمی کند؛ زیرا عاشورا زمان و زمین و قوم و طایفه نمی شناسد. فقط کافی است که شما عاشورا را معرفی کنید؛ درون مایه عاشورا به گونه ای است که می تواند با محیط ها و اوضاع مختلف تطبیق یابد؛ چراکه عاشورا حادثه ای بزرگ است که هیچ خط مذهبی و طایفه ای در آن وجود ندارد. عاشورا دارای مضمونی بزرگ، بلند و مشترک است که قدرت بازنمایی و نمادسازی های متنوع در آن وجود دارد. اکنون سؤال این است که اگر این هسته را بگیریم و آن را توسعه دهیم، آیا اربعین فرصت بزرگی است برای اینکه عاشورا و عاشوراییان یک بار به زبان ها و کارکردهای گوناگون و برای محیط ها و نقش های مختلف، الگوسازی کند. البته ما می توانیم در این جا، صرف نظر از فرهنگ های دیگر، عاشورا را بازنمایی و نمادسازی کنیم، اما این نماد نماد ایرانی عاشورا خواهد بود؛ درحالی که اربعین فرصتی فراهم می کند تا این درون مایه با حضور همه کسانی که می توانند در این الگوسازی نقش داشته باشند و تعامل کنند، حرکتی ایجاد کند و از درون این تعامل، همه افراد و گروه ها برای وضعیت موجود و آینده خودشان، مدل سازی و الگوسازی کنند.

از دیگر کارکردهای سیاسی اربعین می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

زنده نگه داشتن و تقویت روح جمعی و نیز استمرار مبارزات ائمه اطهار: در میان امت؛

گسترش امید و امیدواری در اوضاع سخت و طاقت فرسای بحرانی در میان شیعیان؛

زنده نگه داشتن روحیات حماسی و دلاوری و شجاعت در افراد و رواج و ادامه آن؛

ترویج روحیه حق طلبی و عدالت خواهی و تأکید بر احقاق حق و اجرای عدالت به عنوان مهم ترین آرمان شیعه (این کارکرد را از خلال مضمون زیارتنامه ها به روشنی می توان دریافت)؛

احیای روحیه انتقام از ستمکاران با تبیین ظلم هایی که بر ائمه اطهار: و پیروان آنان در طول تاریخ رفته است؛

توجه به جامعه و حکومت آرمانی که امام زمان/ پس از ظهور خود تشکیل خواهد داد؛

تقویت خودآگاهی دینی و احساس زندگی در قامت یک امت؛ زمینه سازی برای تحقق کنش های متعهدانه در راستای تأمین اهداف جهانی اسلام؛

نمایش طیفی از مشترکات اعتقادی، ارزشی و آرمانی؛ نمایش قدرت عظیم و فروخته توده های انسانی مؤمن.

۲- کارکردهای اجتماعی اربعین

آیین های اجتماعی به حکم کارکردهایی که در زندگی آدمیان دارند، تداوم، گسترش و ماندگاری می یابند. در این میان آیین های مذهبی چون نقش و کارکرد مؤثرتر و پاسخ گوتری دارند، بیش از دیگر سنت ها مورد اقبال و توجه مردم واقع می شوند. آیین های عاشورایی یا حسینی در فرهنگ شیعی از این مقوله است که به حکم کارکرد بنیادین و پاسخ گویی به نیازهای فکری فرهنگی، روز به روز شکوفا تر و گسترده تر می شود. آیین های بزرگداشت اربعین حسینی یکی از آن سنت های عاشورایی است که نه فقط در زمان تعریف شده، بلکه در مکان ویژه و به شیوه خاصی در کانون توجه قرار می گیرد و هر ساله بر شکوه و عظمت آن افزوده می شود؛ به گونه ای که بر اساس آماری، شمار افرادی که در سال جاری برای بزرگداشت اربعین در سرزمین کربلا حضور یافتند، حتی از بزرگ ترین سنت اسلامی یعنی حج بیت الله الحرام نیز بیشتر بود. اما به راستی این آیین چه کارکردی دارد یا باید داشته باشد؟

بی تردید اربعین حسینی یکی از باشکوه ترین و عظیم ترین مراسم شیعی است که هم به صورت زنده و پویا در حیات اجتماعی جریان دارد و هم منشأ تحولات و هنجارآفرینی فراوانی در کنش های فردی و اجتماعی شده است. البته آنچه مراسم و مناسک را در حیات اجتماعی جامعه شیعی از دیگر جوامع متمایز می سازد، نه وجود مراسم و مناسک، بلکه ویژگی هایی از قبیل گستردگی، ایجاد تجدید حیات و انسجام اجتماعی، تأثیرگذاری، هنجارآفرینی و نقش آفرینی در کنش های فردی و اجتماعی و... است. تا آنجا که می توان گفت کمتر فعالیت اجتماعی به وسعت مراسم و مناسک دینی در حیات اجتماعی، سیاسی و... ما حضور دارد و تأثیرگذار است. برگزاری اربعین حسینی به عنوان یکی از شعائر اسلامی کارکردهای متعددی پیدا می کند از جمله: الگوسازی، تقویت حافظه فرهنگی امت، کمک به ایجاد ارتباط و رفتار جمعی، توسعه هنر مذهبی و... .

از کارکردهای اجتماعی اربعین می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) انسجام اجتماعی (تقویت روح جمع گرایی): امروزه فردگرایی، دیدگاه غالب در جهان است. اما آیین هایی مانند اربعین به تقویت روح جمعی کمک شایانی می کند. هم گراسازی افراد جامعه با یکدیگر، از دیگر کارکردهای آیین هاست که بیش از هر سنت دیگری تأثیرگذار است. از این رو نباید به ضد خود مبدل شده و مایه تفرق و دشمنی و نابسامانی اجتماعی شود. نقش تلائمی آیین ها از کارکردهای اساسی در جوامع اند.

ب) تألیف قلوب و تقویت روح اخوت: همدلی در پرتو ذوب انانیت ها و لغو همه تمایزات (قومی، ملی، شغلی، تحصیلی و...) و حذف همه مرزها و فاصله ها، از دیگر کارکردهای اجتماعی اربعین است. البته اربعین کارکردها و آثار پنهان و آشکار فراوانی دارد که یکی از آثار آشکار آن، ایجاد الفت بین افراد است.

ج) تقویت ارتباطات و مناسبات انسانی: چنین ارتباطاتی که برپایه محبت، صمیمیت، تلافی، ایثار، انفاق و تعاون انجام می‌گیرد نیز جزو کارکردهای اجتماعی اربعین است.

د) الگوسازی: یکی از کارکردهای بسیار مؤثر هیئت های مذهبی، الگوسازی مبتنی بر دین باوری و رعایت هنجارها، ارزش ها و اخلاقیات است. افراد با حضور در دسته جات، تکایا و حسینیه ها و استماع احادیث و درس های اخلاقی و گوش دادن به آیات الهی و اشعار مداحان در مدح و ثنای اهل بیت: به صورت علمی و کاربردی (تعلیم و تربیت)، به فرهنگی راه می‌برند که مبنای آن رعایت معنویات، اخلاقیات، اصول و مبانی انسانی، خودشناسی و خداشناسی است. این کارکرد، انسان را برای رسیدن به هویت مذهبی و حیات دینی کمک می‌کند.

ه) تربیت اخلاقی: اخلاق اجتماعی از کارکردهای دیگر راهپیمایی اربعین است و خیرات و صدقات از مظاهر آن محسوب می‌شود. بنابراین طبق آیه قرآن، به پا داشتن شعائر الهی و اخلاقیات اجتماعی، تقوای قلب و باورهای معنوی را در دل انسان ها نهادینه می‌کند.

و) جهان اندیشی: در بند مسائل جزئی نبودن از کارکردهای راهپیمایی اربعین است؛ چنان که طبق تنها گزارش غربی از اربعین در یکی از خبرگزاری های کشور آلمان، در این راهپیمایی، اغلب مذاهب اسلامی و ادیان مختلف اعم از مسیحی، صابئی، ایزدی و از شصت کشور حضور داشته اند؛ زیرا سیدالشهدا علیه السلام با همه مسلمانان و حتی ادیان الهی پیوند دارد؛ چراکه سالار شهیدان علیه السلام میراث بر قرآن، تورات، انجیل، زبور و دیگر ادیان آسمانی است.

ز) تعالی جویی و فضیلت طلبی: یکی دیگر از کارکردهای مراسم اربعین، مساعدت، بسترسازی و کمک به انسان ها برای تعالی جویی و فضیلت طلبی است. در این نهاد مذهبی که ملاک تفوق و برتری، صرفاً عشق و علاقه به اهل بیت: و رعایت شرع مقدس اسلام و دستورهای الهی است، افراد در کنار هم جمع شده، با فعالیت های خداپسندانه تلاش می‌کنند تا مسیر تعالی را بپیمایند.

ح) کنترل غیر مستقیم انسان ها: از دیگر کارکردهای اجتماعی مؤثر اربعین کنترل غیر مستقیم جامعه و افزایش حال و هوای معنوی است. در بررسی ها نشان می‌دهد که در ایام و مناسبت های اسلامی، به خصوص در ماه های محرم، صفر و رمضان، انسان ها کمتر دچار وسوسه هوای نفس می‌شوند. حتی بزه کاران و مجرمین نیز بعضاً در این ایام از فعالیت های غیراخلاقی و انحراف آمیز خود می‌کاهند و به سوی معنویات روی می‌آورند.

۳- کارکردهای فرهنگی اربعین

الف) اربعین پدیده کلان فرهنگی: پیاده روی اربعین حسینی، پدیده ای است که نمی‌توان آن را از نظام فرهنگی جدا دانست. در پیاده روی اربعین، امت اسلامی، حرکتی فرهنگی را به نمایش می‌گذارد. این پیاده روی، پیام های زیادی دارد. در این حرکت افراد با سن های متفاوت و با فرهنگ های مختلف، هدفی مشترک دارند. پیاده روی اربعین نشان می‌دهد که چطور می‌توان با حرکت فرهنگی، که ذات مخلصانه و خالصانه دارد، موانع سیاسی را از بین برد و بین ملت ها پیوند ایجاد کرد. در اربعین حسینی، همه افراد در پیاده روی اربعین با نگاه الهی حرکت می‌کنند و این حرکت باعث دوستی بین ما و مردم عراق شده است. این اثر، حماسه حسینی بعد از سال هاست.

نباید از نظر دور داشت که راهپیمایی ایام اربعین در عراق، در حال تبدیل شدن به یک پدیده کلان فرهنگی و تمدنی در مقیاس جهان اسلام و بلکه دنیای امروز است. این راهپیمایی، نه یک راهپیمایی به سمت کربلا، بلکه همایش بزرگ انسانی، اخلاقی و فرهنگی است که

حقایق بکر و پنهان آن بسیار فراتر از جلوه های ظاهری اش است. صحنه های ویژه اخلاقی و انسانی در دهه اربعین، در راه های منتهی به کربلا در عراق، بسیار شگفتی آور است. لذا نباید از تفسیر این پدیده کلان فرهنگی و تمدنی غفلت کرد.

از نظر ویل دورانت «تمدن، نظامی است اجتماعی که موجب تسریع دستاوردهای فرهنگی شده و به منظور بهره گیری از اندیشه ها، آداب و رسوم و هنر، دست به ابداع و خلاقیت می زند؛ نظامی است سیاسی که اخلاق و قانون، نگه دارنده آن می باشد و نظامی است اقتصادی که با تداوم تولید، پایدار خواهد ماند» (ویل دورانت، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۵). ساموئل هانتینگتون، «تمدن» را بالاترین گروه بندی فرهنگ و گسترده ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می آورد (هانتینگتون، ۱۳۸۲، ص ۴۷). هنری لوکاس «تمدن» را پدیده ای به هم تنیده می داند که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را دربر می گیرد (لوکاس، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۷ و ۱۶).

بنابراین از کارکرد های مهم اربعین، شکل گیری اندیشه های تمدنی در دو لایه عمومی و تخصصی است. اربعین این ظرفیت را دارد که تفکر در مسیر پیاده روی و عقلانیت معرفتی و اخلاقی و اجتماعی در تعاملات را تقویت کند و محلی برای بارورسازی آن باشد و تحقق این مهم به سیاستگزاری و برنامه ریزی در نهادهای متولی احتیاج دارد. عشاق الحسین در اوج عشق و احساسشان، به آنچه می کنند آگاهی دارند و کاملاً فلسفه «حب الحسین» و کارکرد اجتماع حسینی را می فهمند و آن را در قالب شعارهای مختلف و متنوع مانند «حب الحسین یجمعنا»، «یوحدنا حب الحسین» یا «عشیره الحسین فوق العشیره» برجسته می کنند و آن را نصب العین خود می سازند.

ب) تبلور آموزه های مذهبی و دینی: اربعین یکی از آیین های مهم است که در آن جامعه متدین و ارزش گرا تبلور می یابد. این آیین ها فرصتی برای ترویج دیانت اسلامی و فرهنگ و اندیشه شیعی است که جامعه سازی را دنبال می کند. آنچه در اربعین ابراز می شود، خواسته یا ناخواسته ارزش های شیعی تلقی خواهد شد. پس باید از هر گونه بی تدبیری و رفتارهای نابجا دور نگه داشته شود تا موجب وهن فکر و فرهنگ شیعی اسلامی نشود.

ن باید از نظر دور داشت که آیین ها، تاریخ فرهنگی جوامع اند و اصرار بر حفظ آن، تأکید بر نگه داشت میراث فرهنگی است و دخل و تصرف در آنها، تحریفی در حوزه فرهنگ شیعی به شمار می رود.

ج) آشنایی با ظرفیت های گردشگری مذهبی: ظرفیت عظیم اربعین و حضور خیل گسترده زائران در برخی از مناطق و استان های کشور عزیزمان ایران، فرصتی ارزنده برای معرفی ظرفیت های گردشگری این مناطق به دیگر نقاط کشور است و خود موجب اشتغال می شود. اربعین زمینه مناسبی برای ارتباطات فرهنگی میان مؤمنان از بلاد مختلف است. اربعین جایی است که همه شیعیان و دلباختگان به آستان حسینی دستاوردهای معنوی و الهی خود را با مردم دیگر تقسیم می کنند. این جریان هم افزایی و هم آوایی با اربعین عجین است و نباید آن را از اربعین بگیریم.

د) حیات بخشی به شیعه: مقوله اربعین، حیات بخشی به شیعه است و شیعیان با این رفتارها، نوعی یکسان پنداری و همراهی با سیدالشهدا علیه السلام دارند. فرزندان ما باید به شیوه های گوناگون با هویت مذهبی شیعی خود آشنا شوند و آن را در نهاد خود ریشه دار کنند. سوگواری سالار شهیدان، حضرت ابا عبدالله علیه السلام یکی از مؤثرترین رسومی است که به تبیین و ترویج معارف اسلامی و تقویت پایه های فرهنگ اهل بیت: در طول تاریخ یاری رسانده است.

مراسم پیاده روی اربعین که با حضور عاشقانه و خالصانه دوستان اهل بیت، فارغ از هر ملیت و زبان انجام می گیرد، یکی از بهترین فرصت های آشنایی و تعمیق روابط معنوی، سیاسی و فرهنگی شیعیان جهان است. این مراسم در قالبی ساده، ملایم و نرم و عاری از

هرگونه خشونت و تعرض به دیگر فرق اسلامی، شیعیان را امتی مقتدر و باصلابت معرفی می کند و ضمن به نمایش گذاردن مناسک شیعی، پیام وحدت، یکپارچگی و هوشیاری آنان را به دشمنان و بدخواهان می رساند. به جرئت می توان گفت، قسمتی از فرهنگ شخصی هر شیعه و بخش اعظم فرهنگ و تمدن اسلامی شیعی، از فرهنگ عاشورا نشئت گرفته است.

روح جمع گرایی (در جهانی که فردگرایی در آن غالب است)، تقویت ارتباطات و مناسبات انسانی بر پایه محبت، صمیمیت، تلافی، ایثار، انفاق و تعاون، تألیف قلوب و تقویت روح اخوت و همدلی در پرتو ذوب انانیت ها و لغو همه تمایزات، اعم از قومی، ملی، شغلی، تحصیلی و... بخشی از کارکردهای اربعین حسینی است.

روابط انسانی در ایام اربعین، بر اساس ملاکات دنیوی و سنجه های ملیتی، سیاسی، طبقاتی یا قبیله ای شکل نمی گیرد؛ بلکه بر محور امری متعالی، معنوی و محبوب، به صورت نظام خدمت به زائر انجام می گیرد. در این نظام ارتباطی، هر کسی یا زائرالحسین است یا خادم الحسین و خادم زائرالحسین. غیر از این دو، هویت و شناسنامه دیگری در این همایش بزرگ شناخته نمی شود. در مراسم اربعین امت اسلامی و بلکه امت انسانی و ایمانی، نظام ارتباطی خود را بر محور حسین بن علی ۸ بازتعریف می کند. صورت بندی چنین امتی بر پایه معشوق و محبوب واحدی انجام می یابد که در آن، معرفت، مصیبت و حماسه امام حسین علیه السلام بر همه من ها و خودبینی ها غالب می شود و همه را به یک «ما» تبدیل می کند (وحدت اجتماعی بر پایه معشوق مشترک). علاوه بر معشوق مشترک، عشق مشترک انسانی، موجب رقت و لطافت نفسانی و روحی افراد می شود و آنها را به هم مهربان تر و بلکه عاشق یکدیگر می کند (وحدت اجتماعی بر اساس عشق مشترک)

آنچه جوهر و هسته مرکزی اربعین را شکل می دهد و آن را به یک جامعه بهشتی در زمانه سکولار امروز تبدیل می کند، همین وجود یک «ما» از من های مختلف مذهبی، فرهنگی و دینی بر محور یک هدف متعالی و محبوب است. همه من ها و خودبینی های سفلی در پرتو نور حسینی به یک «ما» و بلکه به یک من کُلّی و علوی تبدیل می شوند که در آن به رغم وجود کثرات و تعدد و تنوع، تنازعی در کار نیست؛ بلکه هر مقدار بر این تعدد و تنوع افزوده می شود، همزیستی و همکاری و همدلی نیز در آن بیشتر می شود.

مناسک دینی مانند اربعین، گنجینه ای عظیم است که هرچند به ابعاد عبادی و معرفتی آن کمابیش توجه شده است، اما به ابعاد اجتماعی و سیاسی و اقتصادی آن و جایگاه و ظرفیت های آن در مسیر تحقق تمدن اسلامی و تعمیق معارف دینی در جان مسلمانان توجه زیادی نشده است. این در حالی است که از یک سو تمدن لیبرال دمکراسی با داعیه تمدن پایان تاریخ به دنبال جهانی کردن خود است و مهم ترین چالش خود را در مسیر جهانی سازی، اسلام تمدنی می داند و از طرف دیگر با بیداری اسلامی بار دیگر زمینه تحقق امت اسلامی پدید آمده است و پرواضح است که در عصر حاضر برای پویایی و بالندگی این امت و مقابله تام و تمام با جهان کفر و الحاد راهی جز پیمودن مسیر تحقق تمدن اسلامی با تمام لوازم تمدنی آن پیش روی امت اسلامی نیست. لذا لازم است همه آموزه ها و ظرفیت های جهان اسلام با رویکردی تمدنی بازخوانی شود و نقشه ای جامع برای تحقق تمدن اسلامی طراحی گردد تا حرکت و پتانسیل جهان اسلام در مسیر واقعی خود قرار گیرد.

از محوری ترین و مهم ترین کارکردهای اربعین، جهت دهی و شکل دهی به تمایلات مؤمنانه و ایجاد محبت و همدلی بین امت اسلامی به منزله عنصر مهم و اساسی در شکل گیری تمدن اسلامی است. بر این اساس می توان تمایلات اجتماعی را یکی از عناصر مهم در شکل گیری تمدن اسلامی برشمرد و این ادعا با مطالعه تاریخی به خوبی قابل اثبات است؛ زیرا یکی از نقاط اساسی عزیمت از هر شکل تمدنی به شکل دیگر، تغییر در تمایلات، عاطفه ها و زیباشناسی اجتماعی است.

اربعین با خود گرایش و تمایل به ایثار و انفاق و گذشتن از منافع مادی و کسب اجر الهی و خشنودی اولیای الهی را به همراه دارد و رفتارها بر این اساس شکل می‌گیرد. در مواجهه با اربعین، نظام زیباشناختی جدیدی به محوریت قیام ابعادالله علیه السلام شکل می‌گیرد و بر همین اساس هنرهای تجسمی و ادبیات را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد و بشر دل داده به افق ناسوتی حیات و زندگی سوداگرانه را متوجه افق ملکوتی و جنبه‌های متعالی زندگی می‌کند. این امر موجب می‌شود روح نظام سرمایه‌داری که بر محوریت خوش‌گذرانی و ثروت‌جویی و کسب درآمد است، مخدوش شود و نظام متعالی رخ نماید که محوریت آن با انفاق و ایثار و کرامت انسان و عشق به بهترین بندگان خدا شکل می‌گیرد.

اندیشه‌های تمدنی براساس نظام گرایش‌ها و باورهای دینی و عقلانیت معرفتی برآمده از معارف وحیانی در قالب علم شکل می‌گیرد. اربعین به مثابه کنگره‌ای برای گردهمایی اقشار مختلف اجتماعی، که در پاره‌ای موارد حتی از چارچوب مذهب شیعه و دین اسلام فراتر می‌رود، می‌تواند ظرفیت‌هایی را که در شکل‌گیری اندیشه‌های تمدنی مؤثر است، فعال کند. این کنگره از سویی محملی برای انتقال معارف دینی و اجتماعی (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی) است و می‌تواند به تولیدات اندیشه‌ای در لایه‌های بنیادین، راهبردی و کاربردی منجر شود و از سوی دیگر عرصه‌ای فراخ و پرمسئله در ابعاد مختلف علوم انسانی است؛ ظرفیت‌های اندیشه‌ای و دانشی که در اربعین و با توجه به پیچیدگی‌ها و درهم‌تنیدگی جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حقوقی بروز و ظهور می‌کند.

نباید از نظر دور داشت که عراق، مهد یکی از تمدن‌های مهم در طول تاریخ بشر است و برنامه‌ریزی برای انتقال این معارف تمدنی و دانشی می‌تواند به استحصال ظرفیت‌های تمدنی راهپیمایی اربعین منجر شود. علاوه بر اینکه کنگره اربعین این ظرفیت را دارد که در برشوراندن تفکر در مسیر پیاده‌روی، نقش مهمی ایفا کند؛ ضمن اینکه مشاهدات و تأملات چند روز پیاده‌روی باعث افزایش تراکم معرفتی و اندیشه‌ای و تقویت عقلانیت معرفتی و اخلاقی و اجتماعی در تعاملات اجتماعی با اندیشه‌ها و گرایش‌های مختلف باشد.

بی‌تردید تحقق این مهم نیازمند سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در نهادهای متولی است. دو موسم اربعین و حج، به دلیل ایجاد هم‌دلی و فراهم کردن زمینه‌های وسیع تعاملات اندیشه‌ای، می‌تواند زمینه مناسبی برای ایجاد این امر مهم باشد و کانون اصلی و مرکزی ایجاد هم‌فکری شود. باید از این فرصت طلایی به نحو احسن و بهینه استفاده کرد.

کارکرد تمدنی دیگر اربعین جهت دهی به سبک زندگی اسلامی و نزدیک کردن فرهنگ‌های مختلف به فرهنگ اصیل اسلامی است. اربعین می‌تواند مؤثرترین عامل مبادله فرهنگی و فکری، و محلی برای هم‌افزایی عناصر سازنده سبک زندگی و فرهنگ اصیل اسلامی در همه زمینه‌های زندگی باشد. نمایندگان و رهبران مذاهب اسلامی باید با استفاده از این فرصت، آثار، اخبار و سیره پیامبر خدا را در زمینه‌های مختلف اعتقادی، سیاسی، اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی بازگو کنند تا در این فرصت زندگی جمعی، که اشتراک در همه ساحات زندگی به وجود می‌آید، الگوهای خوب تربیتی شکل بگیرد و از بدعت‌ها گذر، و تقید به سنت‌های حسنه، بیشتر شود.

آنچه در همایش اربعین رخ می‌دهد، هم از نظر ایمانی و هم حبی و عشقی، کارکردهای تمدنی دارد. اربعین از یک سو حرکت و تمرینی ایمانی است که موجب افزایش ایمان می‌شود و نظام مناسبات انسانی را تنظیم می‌کند و در نتیجه باعث عمران و آبادانی جامعه مسلمین می‌شود. از سوی دیگر، در اربعین، با تأکید بر یک محبوب واحد، محبتی نسبت به همدیگر به وجود می‌آید و نظام مناسبات انسانی به شکل درستی سامان می‌یابد. صورت بندی چنین جامعه‌ای بر پایه معشوق و محبوب واحد باعث می‌شود «من»‌ها رنگ ببازند و همه به یک «ما» تبدیل شوند؛ یعنی وحدت اجتماعی بر پایه معشوق مشترک (بابایی، ۱۳۹۱، ص ۷، ۲۴).

گوهر و هسته مرکزی تمدن، در اربعین جاری و صادق است. در حقیقت، معنوی و ایمانی بودن اربعین مانع از تمدنی بودن آن نمی شود؛ به بیان دیگر، اربعین پدیده خاصی است که در آن معنویت و مدنیت یکجا تجلی و تبلور پیدا می کند و تناقضات میان ماده و معنا برطرف می شود و امور مادی و دنیوی در پرتو حقایق معنوی سامان می گیرد. اگر اربعین و نظام مناسبات انسانی که در آن شکل می گیرد در نظام مناسبات انسانی مسلمین تسری پیدا کند، بی شک تمدن اسلامی در وضعیت معاصر امروز احیا می شود و به کمال می رسد.

ه) کارکردهای دینی و تربیتی: از کارکردهای فرهنگی اربعین، آثار تربیتی آن است. فرهنگ زیارت، علاوه بر ثواب هایی که در احادیث برای زائران ائمه بیان شده، کارکردها و آثار تربیتی نیز به همراه دارد. از جمله فوائد تربیتی زیارت می توان به این مسائل اشاره کرد: افزایش معرفت زائر و آموختن معارف دینی از خلال زیارتنامه ها، آشنایی با مقام امامان و تحکیم رابطه ولایی بین انسان با اولیای خدا، ارائه الگویی مناسب برای جامعه، زمینه سازی فضای مذهبی حرم های امامان و مزارها برای ترک گناهان و کسب فضائل.

اربعین حسینی پمپاژکننده معنویت و ایمان در عصر جاهلیت و ضلالت است؛ همان طور که در زیارت اربعین می خوانیم: «لَيْسَتْ نَقْدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ خَيْرَةُ الضَّلَالَةِ»؛ «امام حسین علیه السلام آمد تا مردم را از جهالت و ضلالت نجات دهد». به تعبیر آیت الله جوادی آملی، امام حسین علیه السلام انسان را از جهالت، یعنی از نادانی و گمراهی تئوریک، و از حیرت ضلالت، یعنی از گمراهی عملی نجات دادند.

اگر بشر از حیث تئوریک به نظریه های سالم، و از حیث عملی به کارکردهای درست دست یابد، می تواند به هدایت، سلامت و آرامش برسد و اربعین برای این است که در عصر جاهلیت تئوریک و ضلالت کارکردی، بشر را به ایمان برساند و بنابراین اربعین نشان مؤمن است.

نتیجه

مراسم باشکوه اربعین حسینی با حضور ملیت ها و مذاهب مختلف، کارکردهای بسیاری دارد که اندیشمندان ایرانی معاصر، برخی از این کارکردها را مطرح کرده اند. از کارکردهای سیاسی مراسم پیاده روی اربعین می توان به اقتدار آفرینی در سایه وحدت، نمایش امنیت عراق، وحدت بخشی به جهان اسلام، تقویت مناسبات میان ایران و عراق، پاسداشت یاد و خاطره امام حسین علیه السلام، تقویت هویت شیعی و زنده نگه داشتن و تقویت روح جمعی، و نیز استمرار مبارزات ائمه اطهار: در میان امت، احیای روحیه انتقام از ستمکاران با تبیین ظلم هایی که بر ائمه اطهار: و پیروان آنها در طول تاریخ رفته است، اشاره کرد. از کارکردهای اجتماعی اربعین حسینی نیز می توان موارد ذیل را برشمرد: انسجام اجتماعی (تقویت روح جمع گرایی)، تألیف قلوب و تقویت روح اخوت و همدلی در پرتو ذوب خودبینی ها و لغو تمایزات قومی، ملی و... ، تقویت ارتباطات و مناسبات انسانی بر پایه محبت، صمیمیت، تلافی، ایثار، انفاق و تعاون. از کارکردهای فرهنگی نیز می توان به همایش حرکتی فرهنگی، جهت دهی و شکل دهی تمایلات مؤمنانه، آشنایی با ظرفیت های گردشگری مذهبی و تبلور آموزه های مذهبی و دینی اشاره کرد.

- ۱- بابایی، حبیب الله (۱۳۹۱). «اخوت انسانی و پیامدهای آن در عرصه جهانی»، مجله اسراء، شماره ۱۳-
- ۲- جمشیدی ها، غلامرضا و قبادی علیرضا (۱۳۸۶). «تحلیل جامعه شناختی از مراسم و مناسک دینی با تأکید بر مراسم عاشورا»، مجله تاریخ اسلام، شماره ۳۰.
- ۳- جهانگیری سهروردی، یحیی، قم، خبرگزاری شبستان.
- ۴- حسینی درمیان، غلامرضا، همایش بررسی تربیتی و روان شناختی پیاده روی اربعین، مشهد، دانشکده علوم تربیتی و درون شناختی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۵- دورانت، ویل (۱۳۸۱). تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، چاپ هشتم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۶- ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۸۱)، «جایگاه شعائر مذهبی در حرکت احیای دینی امام خمینی»، فصلنامه حضور، شماره ۳۹-
- ۷- لوکاس، هنری (۱۳۶۶). تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، آذرنگ.
- ۸- مؤسسه دیده بان (۱۳۹۴)، حمله وهابیون به پیام عاشورا در آستانه اربعین حسینی، مؤسسه راهبردی دیده بان، ۱۳۹۴/۸/۲۵-
- ۹- نصر، حسین (۱۳۸۲). برخورد تمدن ها و سازندگی آینده بشر (نظریه برخورد تمدن ها، هانتینگتون و منتقدانش)، ترجمه و ویراسته مجتبی امیری، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۰- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۲). نظریه برخورد تمدن ها، هانتینگتون و منتقدانش، ترجمه و ویراسته مجتبی امیری، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.